



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۵۰ ■ ۲۷ اسفند ۱۳۹۹

نوجوان
۵۰

چند تا کلمه به علی فریادی گفتیم و حسش را در یک یا چند کلمه پرسیدیم
اثر جدید ساسی مانکن: ابتذال محض

عصر جدید: عصر جدید

دکتر سید بشیر حسینی: آدم خوب

احسان علیخانی: کامل

امین حیایی: دوست داشتنی

مرگ: راحتی

شوخی: حس خوب

شکست: مقدمه پیروزی

نوجوانی: دوران بسیار عجیب ولی

شیرین

مردم عادی: هیچ وقت به چیزی که

می خوان نمی رسن

علی فریادی: مردم عادی



نیمه نهایی هم حقم بود. چون انصافا گروه مجاز اجرای خفنی داشت حتی بهتر از اجرای فیثالشان. ثانیاً این که آنقدر که باید نتوانستم روی متنم وقت بگذارم، البته حضور نداشتن تماشاگر خیلی اثر داشت، ولی خب من خیلی ناراحت نشدم چون اصلا حضور در فینال را در ذهن خودم نساخته بودم. برای من رسیدن به آن مرحله هم برد بود.

«دیده شدن

اگر قرار باشد دیگر کسی کار مرا ببیند و اصلا من را یادشان برود، از یک بابت ناراحت می شوم و از یک طرف دیگر راحت. از این جهت ناراحت می شوم که دیگر نمی توانم عده زیادی را بخندانم و حال خوبی را به اطرافیانم تزریق کنم اما انصافا راحت می شوم. چون من عشق شهرت نبودم و نیستم و اصلا این روزها را تصور نمی کردم. البته که عاشق محبوبیتم؛ ولی از این که بروم در خیابان و کسی من را نشناسد و تحویل نگیرد، ناراحت نمی شوم. خیلی سخت است که نمی توانی راحت بروی مثلاً در یک ساندویچی و غذا بخوری. خلاصه شهرت هم خوبی هایش را دارد هم بدی هایش.

این را هم بگویم که به ظاهر کم دین ها نگاه نکنید. اتفاقاً یک کم دین اصلاً خوشحال و خیلی سر حال نیست و حتی در خیلی موارد افسرده است، از جمله خودم. اما وقتی روی

صحنه می رویم و اجرایمان دل مخاطب را شاد می کند ما هم خوشحال می شویم و انرژی می گیریم. وگرنه آنقدر شوخی نوشته ایم و شوخی اجرا کرده ایم که هیچ چیز به راحتی خودمان را نمی خنداند.

«کنکور

طبیعتاً من هم قبول دارم کنکور غول روزهای نوجوانی است. البته همان طور که می دانید من مشاور کنکور هم هستم و این برمی گردد به ترم دوم دانشگاه تا الان، یعنی سه چهار ترم است که این کار را انجام می دهم. هدفم از این کار استقلال مالی بود. ولی به شدت با کنکور مخالفم؛ چون واقعا چیزی داخل پزشکی نیست که داوطلب کنکور تجربی از انسانی



یک چیز خط قرمز است، آن هم مسخره کردن دیگران است. مسخره کردن و توهین کردن را هرگز نمی پسندم و سمتش نخواهم رفت

و هنر بیشتر است. در حالی که مثلاً از بین ۷۰۰ هزار نفر شرکت کننده فقط یک دهم شان در رشته های خوب پزشکی پذیرفته می شوند و بقیه می روند در صف پشت کنکوری های

سال بعد. در حالی که جامعه به آتش نشان، نقاش، معلم و... هم احتیاج دارد. ولی امان از فشار خانواده ها. البته می دانم که پدر و مادر هم خیر فرزندشان را می خواهند و می بینند وضعیت مالی آن افراد در جامعه بهتر از بقیه است. متأسفانه عصر جدید هم نتوانسته این تفکر را از بین ببرد.

«بن بست پزشکی

اگر زندگی ما شبیه یک ماز باشد به نظر من یکی از بن بست های آن رشته پزشکی است. البته برای کسانی که می خواهند خیلی کارهای مختلف انجام بدهند و فکر می کنند می توانند در کنار خواندن این رشته به هنرشان هم برسند. پس مراقب باشید موقع کنکور همه تمرکزتان

رفتن به این رشته نباشد! البته ما فکر می کنیم کلاً کنکور خودش یک بن بست است در این ماز می گویند نه؟ (مراجعه کنید به صفحه ۳)

«خط قرمز شوخی

شوخی برای من محدودیت ندارد و با هر چیزی که از خودم است شوخی می کنم همان طور که دیدید. ولی یک چیز خط قرمز است، آن هم مسخره کردن دیگران است. مسخره کردن و توهین کردن را هرگز نمی پسندم و سمتش نخواهم رفت. ولی انصافاً با هر چیزی می شود شوخی کرد فقط

به شرط آن که حرمتی شکسته نشود. ولی کاش جنبه هایمان را بالاتر ببریم که مثلاً اگر با مردم یک قوم شوخی شده، فکر نکنیم دیگر همه چیز زیر سوال رفته؛ نه، آن شوخی می گذرد اگر ما الکی حس بد نگیریم. با خود من در کودکی خیلی سرفامیلی ام شوخی می کردند. اوایل ناراحت می شدم و این باعث می شد شوخی ها بدتر شود. ولی نوجوان که شدم خودم هم دوتا شوخی با اسمم می کردم و همه چیز ختم به خیر می شد. در یک کلمه: آقا! خانم! با جنبه باش!

«کرونا

امان از دست کرونا. روزهای کرونایی به شدت برای ما سخت بود و البته خودش هم سر شوخی را باز کرد. من تقریباً از بعد از اجرای دوم بیشتر وقتم را در بیمارستان بودم و دلیل اصلی این که متن سومم هم خوب نشد این بود که زیاد وقت نداشتم برای تمرین. البته من در بخش کرونا نبودم ولی بیمارهای زیادی داشتیم که بعداً تست شان مثبت می شد. با آن لباس ها و شیلد و ماسک اصلاً خیلی قابل شناسایی نبودم ولی اتفاقاً یکی من را شناخت و گفت بچه بیمارارش با دیدن اجرای من خیلی حالش بهتر شده و واقعا از ته دل خوشحال شدم. خدا کند هرچه زودتر شرابین بیماری از سر دنیا کم شود.



نیستند! حالا این گروه پرانرژی قرار است مهم ترین اجرایشان را در فینال عصر جدید به نمایش بگذارند. پس لطفاً موقع رای دادن حواستان به نوجوان های همسن و سال خفن مان هم باشد!

راستی بد نیست سری به یادداشت «بهترین ها» در صفحه ۲ بزنید.



اعضای این گروه از ۹ استان مختلف دور هم جمع شده اند و با مهارت و قدرت چشمگیرشان همه را شگفت زده کردند. نکته جذاب در مورد این گروه در کنار پرداختن به ورزش اصیل زورخانه ای، حضور نوجوانان و جوانان در اجرا بود. نوجوان هایی که از همین سن پایین پا در راه ورزش و مرام پهلوانی گذاشتند و نشان دادند نوجوان های این عصر هم برای خودشان کم پلی

وقت و هیجان و انرژی به قرار گرفتند. ی که کار خود را با طناب بد اما بعد از چندین ماه شسته های رزمی و کراس مام عیار بسازند. همه دخترها یادآوری ریش را بکنند توانمندند پایشان در زمینه های لگی شان زنگ طلا هم را برای رقابتی سخت تر پرچم مشهد و همه دارند.

مردان ایران زمین، از س پهلوانی زورخانه ای منظم، هماهنگ و حساسی به وجد آوردند.